



پیش‌ها و پاسخ‌ها

کد پرسش: ۳۳۱

مقدمات  
علم و جهل  
و جوب تحصیل علم (اجتهاد)

پرسش کننده: کامران

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تاریخ پرسش: ۱۳۹۶/۴/۲۸

شماره پرسش: ۲

پرسشی داشتیم. در جایی فرموده‌اید که «اجتهاد به معنای شناخت یقینی احکام و عقاید بر هر فردی واجب است». حال سوال اینجاست که برای اینکه به اجتهاد رسید و بتوان در احکام و عقاید به یقین رسید حداقل باید علم رجال داشت تا احادیث را بررسی کرد و باید بر آیات قرآن احاطه داشت تا همه آیات مرتبط با یک موضوع را مد نظر قرار داد و در عین حال باز هم ممکن است با در نظر نگرفتن چند فاکتور، در رابطه با آن موضوع به یقین اشتباه رسید. حال مگر جز این است که عسر و حرج در دین نیست؟ پس چطور است که باید مثلاً علم رجال دانست و بر همه آیات قرآن مسلط بود؟

تشکر از شما زمینه‌سازان ظهور امام مهدی علیه السلام که هیچ پرسشی را بی‌پاسخ نمی‌گذارید.

تاریخ پاسخ به پرسش: ۱۳۹۶/۵/۱

پاسخ به پرسش شماره: ۲

«اجتهاد به معنای شناخت یقینی احکام و عقاید» از طریق مراجعه به کتاب خداوند و خلیفه‌ی او در زمین و مراجعه به اخبار متواتر حاصل می‌شود، نه از طریق مراجعه به اخبار واحد و با این وصف، علم رجال در فرآیند اجتهاد نقش مهمی ندارد؛ چراکه علم رجال بیشتر برای شناخت راویان اخبار واحد به کار می‌آید، در حالی که اخبار واحد -حتی اگر راویان عادل داشته باشند- مفید ظن هستند و ظن در اسلام چیزی را از حق بی‌نیاز نمی‌کند؛ چنانکه یکی از یارانمان ما را خبر داد، گفت:

«دَخَلْتُ عَلَى الْمَنْصُورِ فِي بَيْتِهِ فَوَجَدْتُهُ يَضْحَكُ! فَقُلْتُ: أَضْحَكَكَ اللَّهُ سِنَّكَ وَ مَا أَضْحَكَكَ؟ قَالَ: نَظَرْتُ فِي كِتَابٍ فِي رِجَالِ الْحَدِيثِ فَأَضْحَكَنِي! فَلَانٌ قَالَ: فَلَانٌ صَدُوقٌ وَ فَلَانٌ قَالَ: فَلَانٌ كَذَّابٌ! هَلْ يَدِينُ بِهَذَا إِلَّا قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ؟! ثُمَّ قَامَ إِلَى الصَّخْنِ وَ قَالَ: مَا بَنَى اللَّهُ دِينَهُ عَلَى ظَنٍّ بَعْضِكُمْ بِبَعْضٍ وَ إِنَّمَا بَنَاهُ عَلَى الْيَقِينِ وَ هُوَ كِتَابٌ أَنْزَلَهُ مِنَ السَّمَاءِ وَ خَلِيفَةٌ جَعَلَهُ فِي الْأَرْضِ فَمَنْ تَمَسَّكَ بِهَدْيَيْنِ الثَّقَلَيْنِ فَإِنَّمَا تَمَسَّكَ بِحَبْلٍ مَتِينٍ وَ مَنْ تَرَكَهُمَا وَ تَمَسَّكَ بِشَيْءٍ مِنْ هَذِهِ الْأَحَادِيثِ فَإِنَّمَا تَمَسَّكَ



بِحَبْلِ كَحَبْلِ الْعَنْكَبُوتِ! قُلْتُ: إِنَّ أَهْلَ الْحَدِيثِ يَزْعُمُونَ أَنَّهُ إِذَا صَحَّ إِسْنَادُهُ عِنْدَهُمْ فَهُوَ يَقِينٌ! قَالَ: إِنَّ أَهْلَ الْحَدِيثِ لَا يَعْقِلُونَ»؛ «به خدمت منصور در خانه‌ی آن جناب رسیدم، پس او را در حالی یافتم که خنده‌ای بر لب دارد! عرض کردم: خداوند لبنان را همیشه خندان گرداند، چه چیزی شما را به خنده انداخته است؟ فرمود: به کتابی درباره‌ی رجال حدیث نظر می‌کردم، پس من را به خنده انداخت! فلانی گفت که فلانی صدوق است و فلانی گفت که فلانی کذاب! آیا بر پایه‌ی این جز گروهی که تعقل نمی‌کنند دین‌داری می‌کنند؟! سپس به سوی حیاط برخاست و فرمود: خداوند دین خود را بر ظنّ برخی از شما درباره‌ی برخی دیگر بنا نکرده، بلکه تنها بر یقین بنا کرده و آن همانا کتابی است که از آسمان فرو فرستاده و خلیفه‌ای است که در زمین قرار داده است؛ پس هر کس به این دو ثقلین چنگ در زند، هرآینه به ریسمانی استوار چنگ در زده و هر کس آن دو را واگذارد و به چیزی از این احادیث چنگ در زند، هر آینه به ریسمانی چون ریسمان عنکبوت چنگ در زده است! عرض کردم: اهل حدیث گمان می‌کنند که آن، هرگاه سندش نزد آنان صحیح باشد، موجب یقین است! فرمود: اهل حدیث تعقل نمی‌کنند!»

(گفتار ۸ فقره‌ی ۷)

روایات متواتر نیز نوعاً از چنان شهرت، تعدّد و شواهدی برخوردارند که به بررسی‌های رجالی نیازمند نیستند، مگر معدودی از آن‌ها که تواترشان حدّ اقلی است، به نحوی که بدون در نظر گرفتن عدالت راویانشان موجب یقین نمی‌شوند (بنگرید به: گفتار ۱۳) و با این وصف، نیاز به علم رجال نیاز محدودی است.

اما فارغ از این نکته، مراجعه به کتاب خداوند و اخبار متواتر پیامبر و خلفاء او و نیز مطالعه و تحقیق درباره‌ی راویان حدیث، با توجه به منابع فراوان تفسیری، حدیثی و رجالی و نیز امکانات فراوان یادگیری زبان عربی که امروزه در دسترس همگان است، عسر و حرجی ندارد و با مقداری علاقه، تلاش و صرف وقت انجام می‌شود و با این وصف، سخت جلوه دادن آن از کارهای شیطان و حزب اوست که می‌خواهند مردم را جاهل و مقلّد بار آورند تا در گمراهی فرو بمانند؛ چنانکه خداوند فرموده است: ﴿وَزَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ فَهُمْ لَا يَهْتَدُونَ﴾ (نمل / ۲۴)؛ «و شیطان کارهایشان را برایشان زینت داد، پس آنان را از راه باز داشت، پس آنان هدایت نمی‌یابند»، در حالی که اسلام دین علم است؛ چنانکه فرموده است:

﴿وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ﴾ (اسراء / ۳۶)؛ «و از چیزی که به آن علمی نداری پیروی نکن» و فرموده است: ﴿وَقُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا﴾ (طه / ۱۱۴)؛ «و بگو پروردگارا! بر علم من بیفز» و برای علم آسان شده؛ چنانکه فرموده است: ﴿وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ﴾ (قمر / ۱۷)؛ «و هرآینه قرآن را برای یادآوری آسان کرده‌ایم، پس آیا یاد آورنده‌ای هست؟» و با این وصف، اگر مشقتی در علم به آن عارض شده باشد نیز به سبب ظاهر نبودن خلیفه‌ی خداوند در زمین عارض شده که پی‌آمد کوتاهی مردم در حفاظت و حمایت از او بوده است و با این وصف، عذری برای خودداری آنان از علم به آن محسوب نمی‌شود (بنگرید به: بازگشت به اسلام، تبعات ظاهر نبودن مهدی برای مردم، ص ۲۴۱)؛ همچنانکه احتمال خطا در مراجعه به کتاب خداوند و اخبار متواتر و نیز مطالعه و تحقیق درباره‌ی روایان حدیث وجود دارد، ولی این احتمال به مراجعه‌ی مردم منحصر نمی‌شود و در مراجعه‌ی فقها نیز موجود است و با این وصف، نمی‌تواند دلیلی برای تقلید از فقها باشد؛ چنانکه علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی فرموده است: «مَآذًا تُرِيدُ مِنَ الْفُقَهَاءِ؟! وَ هَلِ الْفُقَهَاءُ إِلَّا رِجَالٌ مِنَ النَّاسِ؟!»؛ «از فقها چه می‌خواهی؟! آیا فقها نیز جز شماری از مردم هستند؟!» (گفتار ۴۵ فقره‌ی ۲)

آری، مردم می‌توانند در مراجعه به کتاب خداوند و اخبار متواتر و نیز مطالعه و تحقیق درباره‌ی روایان حدیث، از فقهاء عادل و مستقل کمک بگیرند؛ به این صورت که از آنان بخواهند نتایج مطالعات و تحقیقات خود درباره‌ی احکام اسلام را با ذکر دلایل و منابع کافی برای آن‌ها توضیح دهند تا آن‌ها بتوانند با سهولت بیشتری درباره‌ی هر یک بررسی و قضاوت کنند و از بهترین‌شان - هرگاه یقینی باشد - پیروی نمایند؛ چنانکه خداوند فرموده است: ﴿فَبَشِّرْ عِبَادَ ۗ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ ۗ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ ۗ وَأُولَٰئِكَ هُمْ أُولُو الْأَلْبَابِ﴾ (زمر / ۱۷ و ۱۸)؛ «پس بندگانم را بشارت ده؛ همانان که هر سخنی را می‌شنوند و از بهترینش پیروی می‌کنند، آنان کسانی هستند که خداوند هدایتشان کرده است و آنان همان خردمندانند»، نه اینکه فقیهی گمراه و وابسته را مرجع تقلید خود قرار دهند و از مجموع فتاوی او بدون علم به دلایل و منابع هر یک پیروی کنند و به فتاوی سایر فقیهان نیز اعتنایی نداشته باشند و بپندارند که فقیه‌شان در قبر یا روز قیامت، به جای آنان پاسخ خواهد گفت و آنان را از عذاب خداوند نجات خواهد داد؛ چنانکه خداوند درباره‌ی‌شان فرموده است: ﴿وَبَرَزُوا لِلَّهِ جَمِيعًا فَقَالَ الضُّعَفَاءُ لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا فَهَلْ أَنْتُمْ مُعْتَدُونَ عَنَّا مِنْ عَذَابِ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ ۗ قَالُوا لَوْ هَدَانَا اللَّهُ لَهَدَيْنَاكُمْ ۗ سَوَاءٌ عَلَيْنَا أَجْرِعْنَا أَمْ صَبَرْنَا مَا لَنَا مِنْ



**مَحِصٍ** (ابراهیم / ۲۱): «و همگی برای خداوند آشکار می‌شوند، پس ضعفا به کسانی که بزرگی جستند می‌گویند: ما پیروان شما بودیم، پس آیا شما چیزی از عذاب خداوند را از ما بر می‌دارید؟! می‌گویند: اگر خداوند ما را هدایت می‌کرد شما را هدایت می‌کردیم، برایمان یکسان است که بی‌تابی کنیم یا تاب آوریم، برایمان راه‌گریزی نیست» و فرموده است: **وَإِذْ يَتَحَاوُونَ فِي النَّارِ فَيَقُولُ الضُّعَفَاءُ لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا فَهَلْ أَنْتُمْ مُعْتَدُونَ عَنَّا نَصِيحًا مِنَ النَّارِ ۖ قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُلٌّ فِيهَا إِنَّ اللَّهَ قَدْ حَكَمَ بَيْنَ الْعِبَادِ** (غافر / ۴۷ و ۴۸): «و چون در آتش با یکدیگر مجادله می‌کنند، پس ضعفا به کسانی که بزرگی جستند می‌گویند: ما پیروان شما بودیم، پس آیا شما بخشی از آتش را به جای ما بر عهده می‌گیرید؟! کسانی که بزرگی جستند می‌گویند: ما همگی در آن هستیم، خداوند میان بندگان حکم کرده است!»

بنابراین، برای مسلمانان بهتر است که به جای نق زدن و اشکال تراشیدن و تلف کردن فرصت، از یک سو به نهضت زمینه‌سازی برای ظهور امام مهدی علیه السلام بپیوندند و از سوی دیگر برای تحصیل علم به عقاید و احکام اسلام از طریق مراجعه به کتاب خداوند و اخبار متواتر و نیز مطالعه و تحقیق درباره‌ی روایان حدیث با کمک فقهاء عادل و مستقلی مانند علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی تلاش کنند. بی‌گمان این تنها کار عاقلانه در وضعیت کنونی است، ولی بیشتر آنان به آن آگاهی ندارند.

دفتر حفظ و نشر آثار منصور هاشمی خراسانی  
بخش باگتولگی - پرنش‌ها



پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی

